

### متن پرسش

سلام علیکم! در بحث توبه گفته می شود یکی از شرایط توبه نفرت از گناه است. حال سوال من این است این نفرت چگونه ایجاد می شود؟! فرض بفرمائید شخصی است اهل زنا و زیاد زنا می کند(العیاذبالله) خوب این زنا بالاخره لذت دارد. حال مثلا این فرد به زیارتی می رود یا مثلا در یک مجلسی می نشیند یا هر دلیل دیگری تصمیم می گیرد دیگر زنا نکند. خوب همچین فردی چکار کند که این لذت حاصل از زنا نیز از وجودش خارج کند؟! بالاخره چون این شخص اهل این کار بوده هر چند الان تصمیم گرفته این کار را نکند؛ بالاخره ممکن است مدام بگوید ای کاش خدا زنا را حلال کرده بود تا لذت می بردیم از این کار. یا ممکن است هر وقت دختر زیاروئی را در خیابان ببیند بگوید ای کاش می شد با این دختر زنا می کردم. اما ممکن است همان موقع یک استغفرالله بگوید و سرش را برگرداند. حالا هر چند این شخص اینجا استغفرالله گفته و سرش را برگردانده؛ اما هنوز لذت گناه از وجودش خارج نشده. دقیقا به همین خاطر که هنوز لذت گناه از وجودش خارج نشده؛ هر چند تصمیم به ترک گناه گرفته؛ اما هر لحظه ممکن است توبه اش را بشکند و دوباره به گناه روی بیاورد. البته ممکن است دوباره پس از توبه شکستن و انجام گناه دوباره توبه کند و این توبه نیز برای مدتی دوام دارد؛ و دوباره توبه شکسته می شود. خلاصه این توبه کردن ها و توبه شکستن ها تا نفرت از گناه در وجود انسان حاصل نشده؛ ادامه خواهد داشت و دهها و صدها و هزارها بار اتفاق می افتد. یا ممکن است مثلا فردی در اوایل نوجوانی مثلا در سنین ۱۲ ۱۳ سالگی به دلیل رفیق ناباب مثلا دچار استمناء شود. اما وقتی کمی بزرگتر شد مثلا می فهمد که این کار گناه بزرگی است و وعده عقاب بر آن داده شده. بهمین خاطر دلش می خواهد این گناه را ترک کند. اما چون لذت گناه را چشیده توان بر ترک دائمی گناه را ندارد. ممکن است تصمیم به ترک بگیرد؛ اما پس از چند روز یا چند ماه دوباره آلوده شود و دوباره تصمیم به ترک بگیرد و دوباره آلوده شود و این سیر همچنان ادامه پیدا می کند. اما اگر نفرت از گناه برای شخص حاصل شد امید این می رود که گناه را برای همیشه کنار بگذارد. حال واقعا چه راهکاری وجود دارد که نفرت و بدی از گناه نیز در درون وجود شخص حاصل شود!؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: بعد از توجه به جواب سؤال ۲۴۰۳ عنایت بفرمایید که گناه اقتضای نفس اماره است و دوری از گناه اقتضای فطرت است و لذا اگر انسان مدتی در مقابل میل به گناه از خود صبر و شکیبایی به خرج داد، آرام آرام فطرت او رشد می کند و به لطف الهی از گناه متنفر می شود. به

گفته‌ی مولوی «پرده‌های دیده را داروی صبر.... هم بسوزد هم بسازد شرح صدر× آینه دل چون شود صافی و پاک.... نقش‌ها بینی برون از آب و خاک× هم ببینی نقش و هم نقاش را.... فرش دولت را و هم فرش را». موفق باشید